



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی هشتم دوره اول متوسطه

نام دبیر: سید علی حسینی



درس ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی

پایه هشتم
دوره اول متوسطه



إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِّنْ هَاجِرِكَ الْقِيَامَةِ
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صدعلامت



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



- الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَكَيْفَ أَنْتِ؟

- كَيْفَ حَالُكَ؟

خدارا شکر؛ خوبم وتو چطوری؟

حالت چطوره؟

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم

أَبْصَارُ : دیدگان «مفرد: بَصَر»

أَتَى | يَأْتِي: آمد | می آید

تَأْتِيْن: می آید

تَأْتِي: می آید، بیاید «مؤنث»

يَأْتِي: می آید، بیاید «مذکر»

إِخْدَى : یکی از

أَعْلَمُ : داناترین، داناتر

أَقْمَارُ: ماه‌ها «مفرد: قَمَر»

أَنْفُسُهُمْ: به خودشان «مفرد:

نَفْس»

بِالْثَّائِيَةِ: البته

يَعْدَمَا: پس از اینکه

يَقِي: ماند

يَكُلُ شُرُور: با کمال میل

ثَالِث: سوم، سومین

جَار: همسایه «جمع: جيران»

جَارَتَانِ: دو همسایه

جِلْتُم: آمدید ← جَاءَ: آمد

جِلْنَا: آمدیم

حَبِيب: دوست

حَرَسَ | يَحْرُسُ: نگهداری کرد |

نگهداری می کند (نگهبانی داد |

نگهبانی می دهد)

خَزَائِنُ: گنجینه‌ها «مفرد:

خِزَانَةٌ»

دَمْعُ: اشک «جمع: دُمُوع»

زَمِيل: هم شاگردی «جمع:

زُمَلَاء»

زَمِلَاتُهَا: هم شاگردی‌هایش

سَاخَةٌ: حیاط، میدان

ظَلَمَ | يَظْلِمُ: ستم کرد | ستم

می کند

عُصْفُور: گنجشک «جمع:

عَصَافِير»

قَبْلَ شَهْرِ: یک ماه پیش

لَيْسَ لَهُ: ندارد، برایش نیست

لَيْسَ: نیست + لَ، لَ: برای + هُ:

تش

مَتَى: چه وقت

مَصَابِيحُ: چراغ‌ها «مفرد:

مِصْبَاح»

مَعًا: با هم

مُهَيِّمَةٌ إِدَارِيَّةٌ: مأموریت اداری

نَفْسُ: همان، خود

فِي نَفْسِ الْمَكَانِ: در همان جا

دَمْعُ : اشك «جمع: دُمُوع»

دوستی

الصَّدَاقَةُ

۱ «أَسْرِين» طَالِبَةٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمُتَوَسِّطِ. ۲ هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنَدَج» إِلَى

۳ «طهران». هِيَ طَالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ وَبَقِيَّتُ مُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةٍ.

۳- اودانش آموز جدیدی در مدرسه است و مدت ۲ هفته تنها ماند.

۱- اَسْرین دانش آموزی در کلاس دوم متوسطه است.

۲- اواز سَنَدَج به تهران آمده است.

۴- در هفته سوم در روز شنبه یکی از هم شاگردیهایش به اسم آیلار به سوی او آمد

۶- گفتگوی بین ۲ دانش آموز آیلار و اُسَرین

۷- حالت چطور؟ ۸- خدارا شکر؛ خوبم و توجطوری؟

۹- من خوبم. اسم تو چیست؟ ۱۰- اسم من اُسَرین است.

۱۱- اسم زیبایی است. معنی آن چیست؟

۱۲- اُسَرین به کردی به معنی **اشک** است. واسم تو چیست؟

۱۳- اسم من آیلار است ۱۴- معنی اسم تو چیست؟

۱۵- آیلار به ترکی به معنی **ماهها** است.

۱۶- اسم خیلی زیبایی است و معنی آن نیز زیبا است.

۱۷- تو اهل کدام شهر هستی؟

۱۸- من سنجی هستم آیاتو تهرانی هستی.

۱۹- نه؛ من تبریزی هستم وساکن اینجا هستم.

۲۰- پس تو همچنین مثل من هستی

۲۱- برای چه به تهران **آمدید**؟

۲۲- برای اینکه پدرم در مأموریت اداری است.

۲۳- چند سال پدرت در مأموریت است؟ ۲ سال

۴ في الأسبوع الثالث في يوم السبت جاءت إليها إحدى زميلاتِها باسم «آيلار»

بدأت بالحوار معها في ساعة المدرسة.

۵- ودر حیات مدرسه با او شروع به گفتگو کرد



۶ الحوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ «آيلار» وَ «أُسرين»

۷- كَيْفَ حَالُكَ؟ ۸- الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟

۹- أَنَا بِخَيْرٍ. مَا اسْمُكَ؟ ۱۰- اِسْمِي أُسرين.

۱۱- اِسْمٌ جَمِيلٌ. مَا مَعْنَاهُ؟ ۱۲- «أُسرين» بِالْكَرْدِيَّةِ بِمَعْنَى النَّمْعِ. وَ مَا اسْمُكَ؟

۱۳- اِسْمِي آيلار. ۱۴- مَا مَعْنَى اسْمِكَ؟

۱۵- آيلار بِالْتُرْكِيَّةِ بِمَعْنَى النِّفَارِ. ۱۶- اِسْمٌ جَمِيلٌ جَدًّا وَ مَعْنَاهُ جَمِيلٌ اَيْضًا.

۱۷- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟ ۱۸- أَنَا مِنْ سَنْدِج. أَنْتِ مِنْ طَهْران؟

۱۹- لَا؛ أَنَا مِنْ تَبْرِيز وَ سَاكِنَةٌ هُنَا. ۲۰- فَأَنْتِ مِثْلِي اَيْضًا.

۲۱- لِهَذَا جِئْتُمْ إِلَى طَهْران؟ ۲۲- لِأَنَّ وَالِدِي فِي مُهِمَّةٍ إِدَارِيَّةٍ.

۲۳- كَمْ سَنَةً مُهِمَّةُ وَالِدِكَ؟ ۲۴- سَنَتَيْنِ.



۲۴ اَيْنَ يَتِيكُمْ؟

۲۵ فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ. **در میدان خراسان**

۲۶ عَجَبًا. يَتِيْنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ.

۲۷ أَ تَصْدُقِينَ؟ **آیا راست می گویی؟**

۲۸ نَعَمْ؛ بِالشَّكِّ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟

۲۹ جِئْنَا قَبْلَ شَهْرِ. **ماه قبل آمدیم.**

۳۰ فَتَحْنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ.

۳۱ فَكَيْفَ مَا رَأَيْتُكَ حَتَّى الْآنَ؟

۳۲ عَجِيبٌ. مَا مِهْنَةُ أَبِيكَ؟

۳۳ هُوَ مُهَنْدِسٌ. **او مهندس است.**

۳۴ هَلْ قَاتِلِينَ إِلَى يَتِيْنَا؟

۳۵ يَكُلُ سُورٍ. **باکمال میل**

۳۶ مَتَى؟ ۳۶ - كَيْ؟

۳۷ بَعْدَمَا يَسْمَعُ لِي وَالِدِي وَ تَقْبَلُ وَالِدَتِي.

۳۹

۳۸ - وَ هَلْ يَأْتِي أَبُوكَ؟ وَ هَلْ تَأْتِي أُمُّكَ؟ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ. سَأَسْأَلُهُمَا أَكْرَدًا بَخَوَاهِدِ أَزْوَاجِهِمْ **خواهم پرسید.**

۴۰ الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ. **الایام علی ناری**

۴۰ - تنها کسی است که دوستی نداشته باشد.

۲۴ - خانه تان کجاست؟

۲۶ - عجیب است خانه مادر همان جاست.

۲۸ - بله البته؛ کی آمدید؟

۳۰ - پس ما دو همسایه و دو همکلاسی هستیم.

۳۱ - پس چطور تا الآن تور اندیدم؟

۳۲ - عجیب است. شغل پدرت چیست؟

۳۴ - آيا به خانه مامی آیی؟

۳۷ - بعد از اینکه پدرم به من اجازه داد و مادرم پذیرفت.

۳۸ - و آیا پدرت می آید؟ و آیا مادرت می آید؟

الفعل المضارع (تَفْعَلُ، تَفْعَلُ، تَفْعَلُ)



هَذِهِ الزَّرافَةُ تَشْرَبُ الْمَاءَ.



هَذَا الْعُصْفُورُ يَشْرَبُ الْمَاءَ.

این گنبدشک، آب می نوشد. این زرافه، آب می نوشد.



تَحْنُ نَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبَرِ.

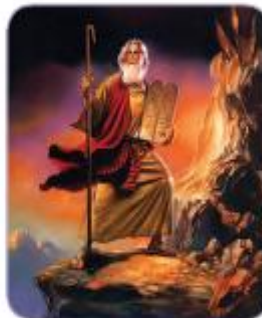
ما در آزمایشگاه کار می کنیم.



تَحْنُ نَلْعَبُ كُرَةَ الْقَدَمِ.

ما فوتبال بازی می کنیم.

فَنُ ترجمه



حرف «ما» دو کاربرد دارد:

«ما» برای منفی کردن فعل ماضی؛

مانند: ﴿مَا سَمِعْنَا﴾: نشنیدیم المؤمنون ۲۴

«ما» به معنای «چيست؟»؛

مانند: ﴿مَا تِلْكَ يَمِينُكَ يَا مُوسَى﴾ طه ۱۷

ای موسی، آن چیست در دست راست؟

اکنون این جمله ها را ترجمه کنید.

﴿ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ﴾ هود
(ما) به آنان ستم نکردیم ولی (آن ها) به خودشان ستم کردند .

ما ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي يَدِكَ؟ آن چیز چیست (که) در دست توست ؟

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

● با توجه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لِمَاذَا جَاءَتْ أُسْرَةُ أُسْرِينَ إِلَى طَهْرَانَ؟
لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ ★ ☐ لِمُعَالَجَةِ بَنِيهِمْ ☐
۲. كَمْ أُسْبُوعًا بَقِيََتْ أُسْرِينَ وَحِيدَةً؟
أُسْبُوعًا وَاحِدًا ☐ أُسْبُوعَيْنِ ★
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ أُسْرِينَ؟
فِي الصَّفِّ الأوَّلِ ☐ فِي الصَّفِّ الثَّانِي ★
۴. أَيْنَ بَيْتُ أُسْرِينَ وَ آيَلَار؟
فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ ★ ☐ خَلْفَ الْمَدْرَسَةِ ☐
۵. هَلْ أُسْرِينَ مِنْ تَبْرِيز؟
نَعَمْ؛ هِيَ تَبْرِيزِيَّةٌ ☐ لَا؛ هِيَ سَنَدَجِيَّةٌ ★

۱- خانواده اسرین برای چه به تهران آمدند؟ برای مأموریت اداری برای معالجه دخترشان

۲- چند هفته اسرین تنها ماند؟

یک هفته

دو هفته

۳- اسرین در کدام کلاس بود؟

در کلاس اول

در کلاس دوم

۴- خانه اسرین و آیلار کجا بود؟

در میدان خراسان

پشت مدرسه

۵- آیا اسرین تبریزی بود؟

بله؛ اوتبریزی بود

نه؛ اوسندجی بود

التَّوَرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ.



نَحْنُ نَصْعَدُ الْجَبَلَ.

ما از کوه بالا می‌رویم. ما به خانه می‌رویم.

التَّوَرِينُ الثَّالِثُ

● کدام کلمه با دیگر کلمه‌ها از نظر معنا ناهم‌هنگ است؟

- | | | | |
|-----------------|--------------------------------------|---------------------------------------|--|
| ۱. يَد | ☐ عَيْن | ☐ وَجْه | جار ★ دست |
| ۲. سَمَكَةٌ ★ | ☐ سَاحَة | ☐ شَارِع | طَرِيق ☐ ماهی |
| ۳. أُسْبُوع | خُبْز ★ ☐ | شَهْر ☐ | سَنَة ☐ هفته |
| ۴. بَقَرَة | ☐ قَرَس | مِهْنَة ★ ☐ | عُرَاب ☐ گاو |
| ۵. تَجَار | حَلَوَائِي ☐ | سَائِق ☐ | رِيَاضَة ★ ☐ تبار |
| ۶. بَاب | نَافِذَة ☐ | رِسَالَة ★ ☐ | جِدَار ☐ در |
| ۷. ثُقَاح | إِيتِسَام ★ ☐ | عِنَب ☐ | رُفَاق ☐ سیب |
| ۸. الْفِطْصَة ★ | السَّبْت ☐ | الثَّلَاثَاء ☐ | الخَمِيس ☐ نقره |

همسایه	صورت	پشم
راه	خیابان	میدان
سال	ماه	نان
کلاغ	شغل	اسب
ورزش	راننده	شیرینی فروش
دیوار	نامه	بنجره
آثار	انگور	لبفند
پنج شنبه	سه شنبه	شنبه

التَّامِرِينَ الرَّابِعُ

● کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = **بَاعَ** ها **آینده** گذشته
شغل **آمد** **مِهْنَةً** شَغَلَتْ **آتی** جَاءَ **بَسَاتِينَ** حَدَائِقَ **قَادِمٌ** ماضی

بَيْعٌ شَرَاءٌ **يَصْدُقُ** **يَكْذِبُ** **شَاهِدٌ** **رَأَى**
فروش **خرید** **راست** می گوید **دروغ** می گوید

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ

● ترجمه کنید:

١. أَنَا ذَهَبْتُ أَمْسٍ وَأَنْتَ سَوْفَ تَذْهَبُ غَدًا.

من دیروز رفتم و تو فردا خواهی رفت.

٢. أَنْتَ رَجَعْتَ قَبْلَ سَاعَةٍ وَ نَحْنُ سَارَجِعُ بَعْدَ سَاعَةٍ.

تو ساعتی پیش برگشتی و ما یک ساعت بعد بر خواهیم گشت.

٣. الْجَاهِلُ يَكْذِبُ وَالْعَاقِلُ يَصْدُقُ.

نادان دروغ می گوید و عاقل راست می گوید.

٤. وَالِدَتِي سَتَطْبِخُ طَعَامًا لَذِيذًا وَ نَحْنُ سَوْفَ نَأْكُلُهُ.

مادر من غذایی خوشمزه خواهد پخت و ما آن را خواهیم خورد.

در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

فی شارع تختی

۱. آين مَدْرَسَتُكَ؟	آين مَدْرَسَتُكَ؟
۲. مَا اسْمُ مُعَلِّمِكَ؟	مَا اسْمُ مُعَلِّمَتِكَ؟
۳. هَلْ أَنْتَ قَوِيٌّ؟	هَلْ أَنْتِ قَوِيَّةٌ؟
۴. كَمْ عُمْرُكَ يَا صَدِيقِي؟	كَمْ عُمْرُكَ يَا صَدِيقَتِي؟
۵. آين تَلْعَبُ؟	آين تَلْعَبِينَ؟

السَّيِّدُ حَسِينِي

نَعَمْ أَنَا قَوِيٌّ

الخَامِسَ عَشَرَ

فی ساحةِ بيتی .

۱- مدرسه تو کجاست؟

۲- اسم معلم تو چیست؟

۳- آیا تو قوی هستی؟

۴- دوست من چند سالته؟

۵- کجا بازی می کنی؟



كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

أَعْلَمُ النَّاسِ ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
داناترین مردم کسی است که دانش مردم را در کنار دانش خود گرد آورد .

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
دانش ، گنجینه هایی است و کلید آن پرسیدن است .

الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
دانشمندان ، چراغ های زمین هستند .

الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ . الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
دانش بهتر از مال است . (زیرا) دانش از تو پاسبانی می کند ولی تو از مال پاسبانی می کنی .

إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ الْأَبْصَارِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
براستی دانش زنده کننده ی دل هاست و نور و روشنی (بفش) دیده ها .

تحقیق کنید و درباره معنا و ریشه نام خود بنویسید.

قُرْأَتُ دَرَسَ